

فرخنده باد جشن شصتمین سال انقلاب مشروطیت ایران و پایدار باد سنن انقلابی آن! بگذار سنن این انقلاب و جانبازی و فداکاری قهرمانان آن، مجاهدان امروزی را الهام بخشد!

# ماهی نامه مردم ارکان مرکزی حزب توده ایران

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

## لین در باره انقلاب مشروطیت ایران

کمیته جنگی بدست انقلابیون که بنظر میرسد بکلی خرد شده اند، نشان میدهند که بلشی بزرگهای شاه، حتی بکمک لیاخونهای روس و سیاستمداران انگلیسی با قویترین مقاومتها از پائین روبرو هستند. جنبشی که میتواند به تلاش احیاء استبداد چنین پاسخ دندان شکن بدهد و آنها را وامیدارد که دست کمک بسوی جنبی دراز کنند، نمیتواند نبود شود. کماترین ظفرمندی ارتجاع ایران در این شرایط، مقدمه ای برای اوج نوین خشم عمومی است.

وضع انقلابیون ایران در کشوری که از طرفی اربابان هند و از طرف دیگر دولت ضد انقلابی روس در صدد تقسیم آن هستند، بسیار دشوار است. ولی بیگوار عنوانه تبریز، انتقال محکوم

لین در مقاله «مواد قابل احتراق در سیاست جهانی، روزنامه پرولتاری» مورخ ۵ اوت سال ۱۹۰۸. (تأکید زیر جملات از ماست - مردم)

## شصت سال از انقلاب مشروطیت ایران میگذرد

هموطن عزیز!

اینک شصت سال از آغاز انقلاب مشروطیت ایران میگذرد. در تاریخ کهن و سرشار از حوادث بزرگ کشور ما، انقلاب مشروطیت که مدت شش سال بطول کشید یکی از مهمترین و مؤثرترین وقایع است که سیمای جامعه ما را دگرگون ساخت. انقلاب مشروطیت ایران فصلی است پرشور و افتخارآمیز از کتاب هیجان انگیز «پیدای آسیا» که بویژه از طلعه قرن کنونی آغاز میشود. انقلاب مشروطیت از جهت عمق و دامنه یکی از بزرگترین انقلابات ملل آسیا در دوران خویش است. انقلاب مشروطیت را متفکرین و انقلابیون عصر و از آنجمله یکی از نوابع سترگ انقلاب، ولادیمیر ایلیچ لین با شور تمام ستوده است و آنرا حلقه ای از زنجیر

جنبشهای ملی بورژوا - دموکراتیک آسیا دانسته است. خلقهایی که چنین انقلابی در تاریخ خود دارند، کاملاً ذیقند بدان بیاند. انقلاب مشروطیت از جهت خصلت خود یک انقلاب بورژوائی است ولی در چارچوب تنگ انقلاب بورژوائی محدود نماند. تشکیل انجمنها و سازمانهای مجاهدان و گروههای مسلح فدائی از بقیه در صفحه ۲

## مبایدهای اساسی رهبری علمی جنبش و جامعه

سودمند میدانیم از نظر مارکسیسم - لنینیسم مبایدهای اساسی رهبری علمی جنبش و جامعه را باجمالی بیان داریم. اطلاع از قواعد و موازین حتمی و ضروری رهبری علمی یکی از شرایط مهم حفظ رهبران و مسئولین امور از ذهنیگری (سوئوکتوزیم) و یا حل مسائل باتکاء اراده (ولوتاریزم) و غرق شدن در تجارب تنگ و محدود عملی (پراتی سیزم) است.

مسئله رهبری علمی جنبش اجتماعی و جامعه از اهم مسائل مطروحه در مطبوعات کشورهای سوسیالیستی است. این مسئله را مطبوعات بورژوائی نیز تحت عنوان مسئله «مدیریت» از زاویه دید خود مطرح میکنند. در کشور ما نیز، بنا به الهام محافل امپریالیستی، مسئله مدیریت مطرح است و در این باره کتب و مقالات متعددی نشر یافته است. ما در اینجا

## ۱- مرحله کسب اطلاع جامع و موثق

### در باره وضع

نخستین شرط رهبری صحیح و علمی جنبش اجتماعی و جامعه عبارتست از تأمین بقیه در صفحه ۲

## گرایشهای تغییر در آرایش طبقاتی جامعه معاصر ایران

اگر بتوان در باره برخی از نکات این بیان پیکره را ذکر کرد، در باره همه نکات آوردن فاکت و پیکره شدنی نیست ولی هم اکنون میتوان انبوه تجارب و مشاهدات را ولوعنوان یک کوشش نخستین تراز بندی کرد و عجتاً یک منظره تقریبی از کیفیت بقیه در صفحه ۴

در بند ۷ تره ای مصوب بلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران «وضع کشور و وظائف میرم ما» به شکل مجمل و فشرده نکاتی در باره تغییراتی که بتدریج و بشکل گرایش در آرایش و ساخت طبقاتی جامعه معاصر ایران دیده میشود، ذکر شده است این مطلبی است بسیار مهم، درخورد تحقیق و پژوهش جداگانه. باید احکام فشرده و مجمل ترها را در این زمینه کنکرتیزه کرد و منظره این تغییرات را روشن تر ساخت.

## در باره سندیکا های کارگری

پس از پایان رژیم دیکتاتوری رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ جنبش کارگری در ایران سرعت اوج گرفت. طبقه کارگری یک سلسله مبارزات پیکر و سرسخت پیروزیهایی شایان توجهی بدست آورد. تصویب قانون کار، برسمیت شناختن سازمانهای کارگری، تشکیل شوراهای انتخاباتی کارگاه، شناختن حق اعتصاب، تصویب قانون بیمه و بهداشت کار، تعطیل روز اول ماه مه و غیره از جمله مهمترین دست آوردهای طبقه کارگر ایران در آن دوران بود. اینکه کارگران ایران پس از صدمت سنگینی که در دوران سلطنت رضا شاه متحمل شده بودند، توانستند در مدت کوتاهی تحت رهبری شورای متحد مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران متشکل و متحد گردند بهیچوجه تصادفی نبود.

## نخستین کارخانه ذوب آهن ایران

## با کمک اتحاد شوروی ساخته میشود

بلافاصله پس از پایان سفر شاه به اتحاد شوروی - هوبدا نخست وزیر اعلام کرد که برای احداث کارخانه ذوب آهن بین ایران و اتحاد شوروی مذاکراتی در جریان است. هنوز جزئیات این مذاکرات بر ما روشن نیست. ولی آنطور که بارها اتحاد شوروی پیشنهاد کرده، اگر برسر این مسئله بین ایران و اتحاد شوروی توافق حاصل

شود یکی از آرزوهای ملی مردم ایران بکمک اتحاد شوروی نخستین و نیرومندترین کشور سوسیالیستی جهان برآورده میشود.

### اهمیت احداث کارخانه ذوب آهن

بنظر میرسد که در اهمیت احداث کارخانه ذوب آهن سخن زیادی لازم نیست، چون ظاهراً همه با آن موافقت. ولی در واقع اینطور نیست. از محافل حاکمه ایران شروع کنیم. در محافل حاکمه ایران (ضمن قبول غنای منابع زیرزمینی ایران) این نظریه رواج دارد که ایجاد صنایع سنگین، که کارخانه ذوب آهن سنگین بنای آنست، محتاج سرمایه گذاری عظیم و کافر آرموده ای است. و چون ایران این هر دو را فاقد است، بنابراین باید نخست از صنایع سبک و بقیه در صفحه ۷

## یادی از قیام مرداد ۱۳۲۴

## افسران خراسان و تهران

۲۰ سال پیش، ساعت ۴ بعد از ظهر ۲۷ مرداد ۱۳۲۴ رگبار ناگهانی ۳ مسلسل و صد تفنگ آرامش عادی شهر کوچک گنبد قابوس را برهم زد. تیر اندازی از طرف ژاندارمها و واحد پلیس شهر گنبد در فضای باز خیابان جلوی پاسگاه پلیس انجام گرفت و آماج گلوله ها گروهی از افسران مترقی و مہین پرست ارتش ایران بودند. در همان رگبار اول پیکر رشید ۵ افسر و ۲ سرباز بقیه در صفحه ۲

## در بار پهلوی عامل عمده

## پخش هروئین در ایران

جنجال هروئین قضای ایران را انباشته است. روزنامه های کشور اعلام خطر کرده اند که فروشندگان این گرد کشنده دامنه فعالیت خود را در سراسر ایران گسترش داده اند. بررسی و تحقیقات انجمن نجات معتادین نشان میدهد که در حال حاضر در ایران ۵۰۰ هزار نفر بخواه مخدره معتادند که اکثر آنها جوانان بین ۱۲ تا ۱۷ ساله اند. گزارش کار شناسان سازمان بین المللی بهداشت حاکی است که تا سال ۱۳۳۲ تعداد معتادین به هروئین در ایران آنکشت شمار بوده ولی در سالهای اخیر بقیه در صفحه ۵

## ارزیابی مورخ شهیر احمد کسروی درباره

## ستار خان سردار ملی، گرد آزادی

راستی هم این ایستادگی گردانه ستار خان یک کار بزرگی میباشد. در تاریخ مشروطه ایران هیچ کاری باین بزرگی و ارجمندی نیست. این سردار عامی از یکسو اندازه دلیری و کاردانی خود را نشان داد. و از یکسو مشروطه را بلایران بازگردانید. مشروطه از همه شهرهای ایران برخاسته تنها در تبریز باز میماند. از تبریز هم برخاسته تنها در کوی کوچک امیر خیز باز بسین ایستادگی را می نمود. در سایه دلیری و کاردانی ستار خان بار دیگر به همه کوی های تبریز بازگشته سپس نیز همه شهرهای ایران باز گردید. آن لک سیهی که در نتیجه زبونی و کار ندانی نمایندگان پارلمان و شکست آزادیخواهان تهران، به دامن تاریخ ایران نشسته بود، این مرد با جانبازیهای خود آنرا پاک گردانید. بی شوند نیست که ما در این تاریخ به آن مرد، ارج بیشتر میگذاریم. ستار خان نه تنها مشروطه را بلایران باز گردانید، صدها کسان را ازگشته شدن و ازگرنده و آسیب رها نید.

## الجزیره بکجا میرود؟

حوادث اخیر الجزیره، چند هفته است که توجه بسیاری از محافل سیاسی و اجتماعی جهان را بخود مشغول داشته است. شبانگاه ۱۹ ژوئن گذشته، محمد بن بلا دبیرکل جبهه آزادی ملی و رئیس جمهوری دموکراتیک توده ای الجزیره بفرمان دشواری انقلاب، که بریاست سرهنگ بومدین، رئیس هیئت وزیران و وزیر دفاع ملی تشکیل شده بود، از کنار برکنار و به نقطه نامعلومی منتقل شد. روزهای متعاقب ۱۹ ژوئن بسیار معشوش و آشفته بود. در الجزیره، اوران و بسیاری شهرهای دیگر الجزیره تظاهرات کم و بیش دامنه داری از طرف دانشجویان و سایر قشرهای مردم، بهواداری از بن بلا و مخالفت با سرهنگ بومدین انجام گردید و شعارهای بقیه در صفحه ۵

میان قشر های متوسط و فقیر ، توسل به شیوه قیام مسلح ، شرکت گاه فعال دهقانان در نقاط مختلف ایران در این انقلاب ، آنرا بیک انقلاب خلقی مبدل میسازد ، خصلت آنرا بسوی یک انقلاب بورژوا - دموکراتیک گرایان میکند. ولی از آنجا که در این انقلاب مسئله ارضی نه فقط حل بلکه حتی طرح نشده ، از آنجا که در دوران انقلاب ، پروتاریای نوآباد ایران هنوز با آن اندازه قوی نبود که بتواند مهر و نشان خویش را بر آن بگذارد ، از آنجا که در این انقلاب دهقانان شرکت وسیع و مؤثر نداشتند ، نمیتوان آنرا انقلاب بورژوا - دموکراتیک تمام عیار دانست.

وقوع انقلاب مشروطیت در نتیجه علل داخلی و خارجی بود . علت داخلی عبارتست از تضاد ایران با رژیم استبداد قرون وسطائی قاجار . علت خارجی عبارتست از تضاد مردم ایران با استعمار طلبان بورژوا استعمار طلبان انگلیس و تساریزم . فعالیت و آثار روشنگران انقلاب مشروطیت (از قبیل سید جمال الدین اسد آبادی ، میرزا آقاخان کرمانی ، ملک خان ناظم الدوله ، طالب اوف ، حاج میرزا زین العابدین مرآه ای و غیره) در تدارک زمینه فکری انقلاب مؤثر بود . انقلاب مشروطیت در زمینه خالی آغاز شد . جنبش تنباکو که منجر بعقب نشینی استعمار و استبداد گردید نشان داد که مردم ایران مایل نیستند در قید اسارت بمانند . آن حادثه جهانی که در شروع انقلاب ایران تأثیری فراوان داشت انقلاب ۱۹۰۵ روسیه است . انعکاس این انقلاب در ایران همراه کوشش بیدار کننده سوسیال دموکراتهای انقلابی روس و قفقاز در شروع سیر انقلاب ایران تأثیری انکار ناپذیر داشت . انقلاب از مراحل متعددی گذشت که طی آن برادیکالیسم آن افزوده شد :

در مرحله اول انقلاب عده ای از اشراف ، ملاکان ، سرمایه داران و روحانیون لیبرال بر رأس آن قرار داشتند . ولی انقلاب در چارچوب مطالبات آنها که تنها میخواستند اختیارات شاه را محدود کنند و خود در حکومت شرکت جویند محدود نماند . زمینه مساعدی که در ایران وجود داشت موجب بسط انقلاب در عرض و عمق شد . بورژوازی ملی ، خورده بورژوازی ، روحانیون و روشنفکران رادیکال سرعت و از در عرصه شدند . انجمنها تشکیل شد . سازمان انقلابی - مجاهدان که تحت رهبری مراکز غیبی سوسیال دموکراسی انقلابی ایران بود بوجود آمد . مطبوعات انقلابی آغاز تهیج افکار

که بدون هیچ استحقاق در داخل یک جیب نظامی جلوی دو کامیون در حرکت بودند - بخون کشیده شد . ولی این غافلگیری لحظه ای بیش بطول نیانجامید . دو کامیون حامل ۱۷ افسر دیگر متوقف شد . افسران بسرعت از کامیونها پائین پریدند و در زیر باران بی توقف گلوله علی زاندارها که حمله خود را نا جوانوردانه و ناگهانی آغاز کرده بودند بمقابله برداختند . در خیابان باریک جلوی پاسگاه شهربانی جز طوفه های آهنین چرخهای دو کامیون و دیوار کوتاه کنار خیابان حفاظ و جان پناه دیگری برای سنگر گرفتن نبود . تیر اندازی متقابل آغاز شد و تا چند ساعت ادامه یافت . پاسگاه شهربانی یک تنای دو طبقه بود و دیوارهای بتونی آن زاندارها را از اصابت گلوله های افسران برقیخواه مصون میداشت . افسران در خیابان بلز فقط امکان تیر اندازی بداخل

## بیجه از صفحه ۱

### اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

#### شصت سال از انقلاب مشروطیت ایران میگذرد

عمومی را گذاشتند . گروههای مسلح فدائی تشکیل گردید . انقلاب موفق شد علاوه بر قانون اساسی ، متمم آنرا نیز بصوب برساند . این امر مایه وحشت استبداد ، تزلزل عناصر سازشکار ، مداخله استعمار طلبان شد . پس از قرارداد تقسیم ایران بین استعمار طلبان انگلیس و روسیه تساری در سال ۱۹۰۷ ، سلطان مستبد وقت محمد علی میرزا قاجار پیمان و سوگند خود را از خاطر برد ، مجلس را بتوپ بست و بانکه اشرافیت استبدادی و عناصر سازشکار رادیکالترین عناصر انقلاب را نابود کرد ، انقلاب را سرکوب نمود و استبداد مجدد را که استبداد صغیر نام گرفت اعلام داشت . ولی انقلاب بیش از آن ریشه دوانده بود که باین آسانی مختف شود . در آذربایجان انقلاب برهبری یکی از فرزندان قهرمان و پرافتخار خلق آذربایجان و همه ایران ستارخان بمقاومت خود ادامه داد . در این مرحله انقلاب چهره خلقی و رادیکال گرفت . مقاومت در گیلان نیز آغاز گردید . مبارزه مسلح انقلابیون ایران محمد علی میرزا را از تهران راند ولی از آنجا که انقلاب رهبری مشکل و متکی به توده ها نداشت ، علیرغم پیروزی آن بر شاه مستبد ، بی نتیجه ماند . ستارخان گرد انقلاب کشته شد . فدائیها خلع سلاح گردیدند . قوای متجاوز استعمار طلبان کشور را در نقاط مختلف اشغال کرد . عناصر سازشکار ظاهر انقلاب را ، نگاهداشتند ولی روح آنها خفه کردند و پس از چند سال با قبول دیکتاتوری پهلوی آنرا بالقره میدان ساختند .

با آنکه انقلاب مشروطیت ایران محقق و بسوی شکست رانده شد ، با اینحال تأثیر آن در تاریخ کشور ما تأثیری است عظیم . این انقلاب سر آغاز دوران نوین تاریخ ماست . از آنجا که خواستهای انقلاب ناشی از ضرورت تاریخ بود لذا خفه کنندگان انقلاب خود مجبور شدند به مجریان پاره ای از وصایای آن مبدل گردند . از آن پس قیودالیزم بیش از پیش رو بزوال رفت و با آنکه اکنون سلطنت مستبده میکوشد حتی المقدور بقایای قرون وسطائی آنرا از گزند زمان حفظ کند ، و با آنکه استعمار طلبان غرب در تلاشند ایران را از استقلال محروم دارند ، بیش از پیش شرایط عینی و ذهنی تحقق این آرزوهای ارتجاعی نامساعدتر میشود . بیش از پیش ایران راه خود را بسوی

استبداد و استعمار میکشاند . در انقلاب مشروطیت ایران ، بورژوازیون اعم از لیبرال و رادیکال نقش برجستهای داشته اند و از میان آنها انقلابیون پرشوری مانند ملک المتکلمین بیرون آمده است . سنن انقلابی روحانیون مشروطه خواه الهام بخش آن روحانیون نفی است . که اکنون باریگر بتحوی از آنحاء بمقابله استبداد برخاسته اند . خاندان پهلوی هر گونه آثار انقلاب مشروطیت را از جهت فقدان مسئولیت ملی ، تفکیک قوای سگانه ، اجراء حکومت پارلمانی ، تأمین آزادی اخواب و مطبوعات محو کردند . اگر رضا شاه به امحاء عملی این آثار اکتفاء نمود و جرات نداشت استبداد خود را قانونی کند ، فرزندش محمد رضا شاه ، نسبت بمحمد علی میرزا قاجار ، گام فراتر گذاشت و

بیجه از صفحه ۱

### یادی از قیام مرداد ۱۳۲۴ افسران خراسان و تهران

پنجره های پاسگاه داشتند . مع الوصف در پایان این نبرد خیابانی از زاندارها ۳ کشته و ۴ زخمی بر جای ماند . از کاروان کوچک افسران علاوه بر ۵ افسر و ۲ سرباز شهید ۲ افسر هم زخم شدید برداشتند . کاروان مزبور از گروه کوچکی از افسران خراسان و تهران تشکیل میشد . این افسران در مرداد ماه سال ۱۳۲۴ یعنی سه ماه پس از پیروزی بیر فاشیسم هیتلری علیه حکومت مزدور صدارالاشرف و علیه خودسرها و خیانت بیشگیهای سرهنگ ارفع رئیس ستاد

استبداد خود را با تشکیل مجلس مؤسسان دروغین و تفسیر اصول چندی از قانون اساسی « قانونی » ساخت . بدین ترتیب نه فقط مسائلی که شصت سال پیش در برابر مردم ایران مطرح بود کماکان مطرح است بلکه بر آن مسائل تازه ای نیز مزید شده است که ناشی از تکامل بعدی جامعه ما و اجتماع بشری است . حزب توده ایران که خود را وارث سنن انقلابی مشروطیت ایران میداند اکنون بیش از بیست سال است با پیگیری تمام برای طرح مسائل مبرم تکامل جامعه ایران و حل آنها مبارزه میکند .

ایران نیازمند انقلاب اجتماعی تازه است . انقلابی که برای رشد قوای مولده میدان مساعد ایجاد کند ، انقلابی که ایران را بسوی استقلال و دموکراسی و ترقی ببرد ، انقلابی که ایران را از بلایای استعمار و استبداد رهایی بخشد . اگر در مرحله انقلاب مشروطیت سوسیال دموکراسی انقلابی ، انجمنها و سازمانهای مجاهدان نیروی آگاه انقلاب بودند ، در مرحله کنونی انقلاب که کماکان باید وظائف حل شده یک انقلاب ملی و دموکراتیک را انجام دهد ، حزب توده ایران ، سازمانهای ملی و دموکراتیک ، اپوزیسیون وسیع مترقی و آزادخواه ایران نیروی آگاه است .

از موفقیت های نسبی قوای انقلابی دیروز هماهنگی و وحدت عمل آنها بود و علت ناکامیهای امروزی ما پراکندگی ماست . اگر نیروی وسیع اپوزیسیون انقلابی امروز در ایران متشکل و متحد میشد و از شرایط جهان و ایران خردمندانه استفاده میکرد ، میتوانست انقلاب ناتمام ایران را بسرانجام رساند . مسئولیت عظیم تاریخ متوجه کسانی است که با وجود روشن بودن این ضرورت آنرا به بهانه های مختلف نادیده میگیرند و بجای اتحاد نیروهای انقلابی ، تخم نفاق در میان این نیروها میرانند . بگذار سنن انقلاب مشروطیت و جانبازی وفاداری قهرمانان آن مجاهدان امروزی را الهام بخشد .

فرخنده باد جشن شصتمین سال انقلاب مشروطیت ایران !  
بایداریاد سنن انقلابی مشروطیت !  
پیروزیاد اتحاد کلیه نیروهای مترقی بر ضد استبداد و استعمار !  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۲۳ مرداد ماه ۱۳۴۰

دار و دسته ارفع برای مرعوب ساختن افسران و جلو گیری از بسط جنبش در ارتش به بازداشت افسران وطن پرست پرداختند . عده ای از این افسران را در شهرهای مختلف دستگیر کردند ، بزندان انداختند و یا به تبعید فرستادند . این امر موجب شد که عده ای افسران در توسل بقیام شتاب ورزیدند . قیام شب ۲۴ مرداد با خلع سلاح چند واحد در مشهد آغاز شد . کاروان افسران مرکب از ۲ کامیون و یک جیب بسوی دشت ترکمن صحرا ب حرکت درآمد تا آنجا را مرکز قیام آزادبخشی علیه هیئت حاکمه فاسد و اسارتگران امپریالیست قرار دهد . افسران در سر راه خود یادگان مرواه تپه را خلع سلاح کردند و سربازان آنرا مرخص نمودند . در حوالی گریگان گروه کوچکی از افسران یادگانهای تهران بقیام

## مبانی اساسی رهبری علمی جنبش و جامعه

اطلاع جامع و موثق درباره وضعی که مورد بررسی ماست و باید ما در آن تأثیر بخشیم (جامعه، نهضت، حزب و غیره). این اطلاع باید مبتنی بر فاکتورهای دقیق باشد و بخواستهها و گرایشهای ذهنی در جمع آوری فاکتورها و کسب اطلاعات راه داده نشود. زیرا در انبوه واقعیت، فاکتورهای متنوع بسیار است و اگر کسی مغرض باشد میتواند آن فاکتورهای را برگیرد و برگزیند که بسود اوست و آنها را که بزیان اوست بگذارد و یا آنکه از سر بی دقتی و شتاب عمل کند و فاکتورهای نمونه وار را نبیند و فاکتورهای فرعی و غیر مهم را بجای آنها گرد آورد. لذا جمع آوری فاکتور و گرد آوردن اطلاع نباید در مقطع تأیلات خاص باشد یا سرسری انجام گیرد تا بتوان از روی آنها وضع واقعی را دانست. ای چه بسا وضع واقعی درست برخلاف تصور و انتظار است؛ ای چه بسا در وضع واقعی تحولاتی روی داده است که ما آنرا حدس نکرده ایم. اگر اطلاع گردیده جامع، موثق، بی غرضانه، دقیق باشد، میتواند پایه خوبی برای تحلیل قرار گیرد. میگویند پیر عقل بی عسای فاکتور قادر بر راه رفتن درست نیست و مرغ خرد بی هوای فاکتور نمیتواند پرواز کند.

### ۲ - مرحله تحلیل عمیق فاکتورهای گردآمده

وظیفه دوم عبارتست از تحلیل علمی فاکتورهای گردآمده بر اساس اسلوب علمی (دیالکتیک) و جامعه شناسی علمی (ماتریالیسم تاریخی). زیرا خود فاکتورها نمیتوانند روایتگر ماهیت وضع، روابط درونی، سیر نهانی وقایع، سمت تاریخی و غیره باشند. در اجراء تحلیل نیز باید سخت دقیق بود. اگر ما بکوشیم فاکتورها و اطلاعات را در کالدهای فکری و قالبهای اصولی معینی بزور بگنجانیم، نتیجتاً آنها را مسخ کرده ایم. اگر هم نخواهیم از احکام رهنا برای سمت یابی در انبوه فاکتور استفاده کنیم، نخواهیم توانست از فاکتورهای گردآمده استفاده ای بکنیم. اگر فقط به فاکتورها، اطلاعات گردآمده اکتفا ورزیم یعنی در مرحله آمیزش صرف بمانیم، قادر به درک عمق حوادث نیستیم. اگر تکیه خاصی بر روی اصول کلی بکنیم و در راسیونالیسم مطلق غرق شویم، باز هم به بیراهه رفته ایم، باز هم ذهنی را بر عینی مقدم ساخته ایم، باز هم دچار ذهنیگری شده ایم. اینجا یک مرحله حساس است و باید توانست تناسب صحیح بین تجربه و تعقل، فاکتور و تعمیم را حفظ کرد.

برای آنکه در این مرحله حساس، از فاکتورها و اطلاعات و تجارب و مشاهدات گردآمده بدرستی استفاده شود بهتر است بررسی جمعی در کادر اظهار نظر خلاق و عاری از ترس و ملاحظه و غرض بعمل آید تا بکه وقایع و ریشه حوادث و جهات مختلف آن و سمت حرکت آن روشن گردد و منظره حقیقی جریان بدرستی ترسیم گردد. یک چنین مقدمه ای شرط حیاتی و ضروری عمل درست است و الا از مقدمات و محلهای غلط فکری

است که نتواند خوب و ثمربخش باشد؛ ولی مهم است که در میان آنها ثمربخش ترین و هدف رس ترین انتخاب گردد یا باصطلاح علمی عمل ایتمالیزاسیون (یافتن بهترین حالت از میان حالات نظیر) انجام گیرد. ابتکار و انتقاد توده ها بهترین کمک است برای اجراء این عمل. داشتن روش های منجمد و «تغییر ناپذیر» و لجاج غیر منطقی و عناد سوپر کنف در اجراء مشی مشکوک و مورد انتقاد عموم، همیشه بنتائج تأسف آوری میرسد (ایکاش فقط و تنها برای کسی که لجاجت میکند، بلکه متأسفانه برای همه جریان).

### ۵ - یافتن عمده ترین نکته، گزیندن

#### مساعدترین لحظه

در جریان اجراء رهنمودهای علمی گاه نکاتی است یا باصطلاح حلقاتی بسیار حلال و عمده و حساس است و باحل آن نکته میتوان نکات متعددی را حل کرد و با برداشتن آن حلقه میتوان برزنجیره حوادث تسلط یافت. یافتن این نکته عمده و حلقه اصلی یکی از علائم پختگی، بصارت رهبری علمی است. علاوه بر یافتن نکته عمده، خصصه مهم دیگر یک رهبری صحیح و مؤثر عبارتست از یافتن مساعدترین لحظه برای عمل، زمانی که وضع دیگر نفع یافته و میتوان باطرح صریح و صحیح شعار، نیروی مؤثری را بسود آن بسیج کرد. عمل بی موقع، عمل زود تر از موقع، عمل پس از گذشتن فرصت بناکامی مانجامد و حال آنکه ممکنست شعار و رهنمود انتخاب شده بخودی خود صحیح باشد.

### ۶ - انتخاب شخص لازم در جای لازم

تحلیلهای انتخاب شعارها، تعیین نکته عمده، برگزیندن لحظه مساعد، همه و همه عیب خواهد بود اگر بر سکان عمل اشخاص شایسته ای ننشسته باشند. نقش شخصیتها در این زمینه نقشی است بزرگ و گاه قاطع. مثل معروفی است که کار را باید بکاردان سپرد. زیرا امر رهبری را از روی قواعد و موازین کتبی نمیشود آموخت. برای این امر شم خاصی لازم است و این شم در جریان تجربه طولانی بدست میآید، برای این امر خصائل و صفات روحی خاصی لازم است و این خصائل و صفات چنین هم زودباید و فراوان نیست. جاذبه شخصی، قدرت اقناع، شور مبارزه، درایت و تدبیر، اتوریته معنوی، انساندوستی، شهامت تصمیم، قاطعیت و امثال آن از زمره این صفات و خصائل لازم است. مختصات شخصی رهبران و مدیران که در سبک رهبری آنها بروز میکند اثرات عمیق در سیر حوادث دارد.

### ۷ - مرحله بسیج سازمان دهی

پس از آنکه مراحل مربوط با انتخاب رهنمودها طی شد باید مردم را برای اجراء آن شعارها و رهنمودها بسیج کرد، آنها را متشکل ساخت. زمانی میتوان مردم را بسیج کرد که شعارها درجهت مصالح و خواستههای آنها باشد و آنها به صحت این شعار معتقد و قانع گردند. این کار ساده ای نیست و گاه باید مردم حالات مختلف را تجربه کنند تا به شعار صحیح بگرایند. و اما متشکل کردن

مردم برای اجراء شعارها که شکل عالی و کنکرت بسیج آنهاست (زیرا آنها را بخوی منضبط وارد عرصه عمل گاه خطرناک و جاننازانه میکند) نیز باید با هوش و ابتکار انجام گیرد. محیطهای مختلف زمانی و مکانی، اشکال مختلف تهییجی و سازمانی را مطالبند. در اینجا هیچ حکم جامد و عام و کلی نمیتوان داد. تنوع شکل تهییج و سازمان بر حسب تنوع شرایط، ضرور است. برای بسیج مردم باید در سه جهت عمل کرد: اول در جهت افشای کامل نقائص وضعی که باید دیگرگون شود یا تصحیح گردد. دوم در جهت بیان صحیح وضعی که باید جاننشین وضع سابق گردد. سوم در جهت نشان دادن راه تحول. فقط در صورتیکه افشای مؤثر و صادقانه باشد، بیان هدفها درست و منطبق با خواست تکامل و راه تحول بدرستی نشان داده شود عمل بسیج بدرستی انجام میگردد. یکی دیگر از شرایط بسیج اجراء عمل انگیزش (استیمولاسیون) مردم است.

انگیزش مردم به عمل، بمبارزه، بکار، تنها در صورتی است که اعتماد مردم جلب گردد و آنها به ثمربخشی برنامه و راه تحول پی ببرند و از جهت روحی بشور آیند. فعالترین و آگاه ترین عناصر را در جریان یک بسیج عام باید در سازمانهای متناسب متشکل ساخت. قانون اساسی کلیه سازمانها عبارتست از مرکزیت دمکراتیک. مرکزیت یعنی تبعیت مادون از مافوق و اقلیت از اکثریت و حفظ انضباط اکید در مراعات موازین سازمانی. دمکراسی عبارتست از انتخابی بودن ارگانهای رهبری، گزارش دادن این ارگانها و حق اظهار نظر و انتقاد و پیشنهاد افراد سازمان در برابر ارگانهای رهبری کیننده. اصل مسئولیت فردی و رهبری جمعی نیز یکی از اصول راهنمای سازمانی است.

### ۸ - مرحله وازسی نقادانه انجام شده ها

پس از آنکه رهنمودها توده بسیج شده و متشکل بدان نحو که بیان کردیم اجراء کرد، باید اجراء شدهها را مورد بررسی قرار داد. باید از تجارب مثبت و منفی گذشته درس گرفت. بدون آن نمیتوان گام بعدی را آگاهانه و مدبرانه برداشت. در مرحله وازسی نقادانه انجام شدهها باید هم از تمایل با راستن همه چیز و هم از تمایل به زشت کردن، هردو پرهیز داشت و تجارب را خونسردانه بررسی کرد.

آنچه که گفته شد تنها یک حلقه از زنجیره مداوم رهبری علمی نهضت، حزب و جامعه است. تردیدی نیست که ما در اینجا نکات اساسی مسئله را بشکل ساده و همه فهم بیان کردیم و آگاهانه از ذکر مسائل فرعی که خود دارای اهمیت است خودداری ورزیدیم تا برای کسانی که خواستار غوررسی ویژه ای در این مسائل نیستند، اسکلت اساسی مبحث را بدست داده باشیم.

پروژه بدست داد. (ملاحظه فرمایید)

### فرض مسئله

سیمای طبقاتی جامعه ایران تنها در پایان اخیر نیست که دستخوش تغییر شده است. جامعه سنتی فئودال پاتریارکال ایران دست کم یک قرن است که دستخوش تغییر است و بیش از پیش یک جامعه سرمایه داری مبدل میگردد. آهنگ این تغییر آهنگی است شتابنده. یعنی اگر در دوران قاجار این تغییر با کندی تمام انجام میگرفت، در دوران سلسله پهلوی سرعت و احاطه آن بیشتر شده است و طی دهسال اخیر که از رژیم کودتا گذشته است بعلل مختلفی که میکوشیم آنرا بیان کنیم، این تغییر آهنگ سرعت بیشتری کسب کرده است و حتی در اعماق روستاها و عشایر ما رخنه نموده است و اگر دوسه دهه بدین منوال بگذرد، اثری از جامعه سنتی قرون وسطایی در ده و شهر باقی نخواهد ماند.

### مضمون و علل تغییر و مظاهر مشخص آن

مضمون عمده تغییر عبارتست از رخنه تدریجی مناسب سرمایه داری و استقرار این مناسبات بجای مناسبات پاتریارکال و فئودالی موجود در ایران، فرو ریختن سازمانها و مؤسسات سنتی قرون وسطایی و پابرجا شدن مؤسسات بورژوازی و تحول متناسب در ایندولوری و روان اجتماع. جنبشهای انقلابی، فشار دائمی افکار عمومی که خواستار تحول و ترقی هستند، تأثیر وضع سیاست کشورهای سوسیالیستی و نهضت رهایی بخش خلقهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین از طرفی و عقب نشینی از روی کراهت و ناچاری هیئت حاکمه و حامیان و الهامگران امپریالیستی این هیئت حاکمه برای حفظ سیادت خویش از طرف دیگر، علل این تغییر است.

### مظاهر مشخص این تغییر بویژه طی دهسال اخیر در جامعه معاصر ایران عبارتست از:

- ۱ - تغییر شکل طبقاتی فئودالها و ملاکان بزرگ؛
- ۲ - بیش از پیش کومیراد و ریزه شدن بورژوازی؛
- ۳ - تجزیه خورده بورژوازی شهر و ده و در یوزگی (پوپریزاسیون) اکثریت آنها؛
- ۴ - پرولتاریزه شدن بخشی از دهقانان و بسط دائمی پرولتاریای صنعتی؛
- ۵ - بسط دائمی قشر روشنفکران و قشر بندی در میان آنها.

اینک هر یک از این نکات را مورد بررسی اجمالی قرار دهیم.

### تغییر شکل طبقاتی فئودالها و ملاکان بزرگ

فئودالها و ملاکان سابق بتدریج به سه گروه تقسیم میشوند:

- الف - گروه زمین داران بزرگ سرمایه دار که املاک خود را با اصول سرمایه داری اداره میکنند. دولت با وضع قوانین معین بویژه به پیدایش این قشر از هر باره کمک میکند.
- ب - گروه مالکان سابق که سیمای سابق فعالیت اقتصادی خود را رها کرده و وارد قشرهای مختلف بورژوازی مالی، صنعتی، بازرگانی و غیره میشوند.

ج - گروه مالکالی که در اثر تحولات اجتماع قدرت دمساز کردن (آداپتاسیون) خود را با شرایط نوظهور از دست داده بتدریج از صحنه

## گرایشهای تغییر در آرایش طبقاتی جامعه معاصر ایران

خود را در این عرصه رقابت حفظ و تقویت کنند، وارد قشرهای فوقانی جامعه میشوند و طبقات حاکمه می بوندند. اینها اقلیت ناچیزی بیش نیستند. کسانی از میان این قشر کثیرالعدده که بعلل مختلف نمیتوانند خود را در این عرصه رقابت حفظ کنند، بی بسا میشوند. بدین یوزگی می افتند (پوپریزه میشوند) و به گروه انبوه فقراء شهر می بوندند. در دهه جریان قشر بندی دهقانان ادامه دارد. طبقه یکبار چه رعیت بقشرهای بورژوازی ده (کولاک)، خورده بورژوازی و عناصر پرولتار و نیمه پرولتارده تقسیم میگردد. هدف اجتماعی اصلاحات ارضی شاه ایجاد همین قشرهاست. در اطراف کومپوزیتیوهای کشاورزی و بانکهای اعتباراتی این قشر در دهه ایران در حال تشکیل است. نفوس اضافی دهات که تولید ماشین در روستا آنها را به عناصر زائد بدل میکند بشهرها هجوم می آورند و به گروه انبوه فقراء شهر می بوندند.

این دوران، دوران در یوزگی عمومی با همه عواقب شوم آن، رواج فقر، فحشاء، زدی و جنایت افزایش کودکان بی سرپرست و ولگردان است. تدریسین های بورژوازی از «استواری» خورده بورژوازی سخن میگویند. یکی از نکات مهم سیاست اجتماعی امپریالیستی عبارتست از حفظ و بسط طبقه متوسط بعنوان تکیه گاه وسیع اجتماعی سرمایه داری. حقیقت آنست که بورژوازی شهر و ده بخودی خود المتوار نیست و چنانکه گفتیم در جریان تحولات اجتماعی منطبق میگردد و ولی سرمایه داری محلی و امپریالیسم جهانی همه جا سیاست حفظ این طبقه را تعقیب میکند. در کشور ما هنوز این سیاست آگاهانه و بشکل مؤثری تعقیب نمیشود و لذا پروژه طبیعی انقلاب جدی است.

### پرولتاریزه شدن بخشی از خورده بورژوازی و بسط دائمی پرولتاریا

بخشی از عناصر پویا شده در ده و شهر وارد سپاه پرولتاریای صنعتی میگردند؛ مابقی وارد طبقه های میشوند که در نتیجه بسط تولید صنعتی در تزیاید دائمی است. در خود پرولتاریا نیز قشر بندی انجام میگردد. هیئت حاکمه سعی دارد یک «آرستوکراسی کارگری» بوجود آورد که تکیه گاه عوامفروشیهای کارگری رژیم باشد و نمایندگان و وکلای، کارگری، مطلق تحول رژیم بدهد. این قشری که امروزه کمبلیش پدید آمده قشری است نسبتاً مرفه ولی فوق العاده کم عده. در کشور ما این قشر برخلاف کشورهای نظیر امریکا، انگلستان و آلمان غربی بهیچوجه نتوانسته است و نخواهد توانست نفوذی در میان کارگران بهزند و در نظر کارگران و توده مردم این عناصر دائماً بصورت عمال رژیم جاوه گردند و حاشایشان در نزد آنها رنگی ندارد.

### افزایش دائمی پرولتاریای صنعتی نقش آنها را

وزن مخصوص اجتماعی آنها را (که تا چندی پیش بیشتر نتیجه مبارزات آکاهترین عناصر کارگری بود) از جهت اجتماعی و اقتصادی نیز بالا میبرد. این طبقه بیش از پیش وارد عرصه جامعه ما میشود بیش از پیش مهر و نشان خود را بر حوادث جامعه ما باقی میگذارد. این طبقه که از جهت سرزشت خود مترقی ترین طبقه است زسالت تاریخی بزرگی دارد و حاصل اجتماعی سوسیالیزم است یعنی نظامی که قهراً چنانچین نظام سرمایه داری کنونی خواهد شد.

پدیده ای که پرولتاریای صنعتی ایران در این استانها رشد و بلوغ خود با آن زوربرو شده است پدیده خودکار شدن تولید (اتوماسیون) است. اتوماسیون و شرکت ماشینهای محاسباتی و منطقی الکترونیکی

در تولید (سیبرناسیون) در کشور های رشد یافته هم اکنون منجر به تغییرات اساسی در قشر بندی کارگری گردیده است. و این طبقه را دستخوش تحولات اساسی ساخته و میسازد. با آنکه در عرصه صنایع نفت کشور خود ما تا حدودی با این پدیده زوربرو هستیم و هم اکنون پرولتاریای ایران از این رهگذر ده ها هزار نفر بیکار داده است ولی هنوز بسیار زود است که از آن بتوان بعنوان یک پدیده اجتماعی، چنانکه در کشورهای مانند امریکا دیده میشود، سخن گفت. بعلاوه هنوز این مسئله در کشور های رشد یافته حل نشده است که باجریان پیدایش مشاغل جدید قوتی است باجریان بیکاری ناشی از اتوماسیون. بهرحال توجه باین پدیده که در آینده باقوت بیشتری در جامعه ما مطرح خواهد شد ضروری است.

مسئله دیگری که پرولتاریای صنعتی با آن زوربرو است مسئله بیکاری است. قدرت جذب بنگاههای نوپنیا دولتی و خصوصی در قبال میزان بیکاری که در اثر عوامل مختلف در ده و شهر ایران ایجاد میشود بسیار ضعیف است و این خود از بفرنج های مهم کشور ماست. تنها در صورت تأمین آهنگ رشد سریع تکامل نیرو های مولده میتوان ما بین اضافه نفوس ده و شهر و قدرت جذب صنعتی و تأمین کار تقاضایی ایجاد کرد.

### بسط دائمی قشر روشنفکران و قشر بندی در میان آنها

یکی دیگر از قشرهایی که در حال بسط دائمی است قشر روشنفکران است مانند معلمین، پزشکان، مهندسیین، دانشمندان، هنرمندان و غیره و غیره. اگر چنانکه مرسوم است کارمندان کشوری و لشکری دولتی و خصوصی را نیز در این قشر وارد سازیم در انصورت قدرت روزافزون این قشر بخوبی دیده میشود. روشنفکران در کشور های کمزرد (که در آنها اکثریت مطلق توده های شهر و ده بعلت نادانی و فقر شدید از عرصه فعالیت سیاسی بدور میمانند) و خود نیز غالباً برخاستگان از میان خورده بورژوازی هستند. در جنبش مترقی و رهایی بخش نقشی حماس دارند. سیمای سنتی روشنفکر ایرانی تغییر میکند. قشر روشنفکران قتی در تزیاید سریع است. از طرفی گروه انبوه تکنیسینها و بهیادان و معلمین ده و غیره پدید میشوند و از طرف دیگر روشنفکران برجسته که به تحقیق های علمی جز در زمینه های سنتی (تاریخ و ادبیات ایران) مشغولند، ظهور میکنند. تکامل سریع تکنیک معاصر که سطح مخصوص و مهارت کار

را بالا میبرد روز بروز نقش حساس تر و مهمتری برای روشنفکران ایجاد میکند و برای آنها آیندهای بزرگ بوجود میآورد.

چنین است خطوط اساسی تغییر در آرایش طبقاتی جامعه ما.

بررسی این تغییرات دارای اهمیت عملی جدی برای حزب طبقه کارگر است. لازم است برنامه ما، استراتژی و تاکتیک و تمام کار ما را بر مقتضات جامعه کنونی تطبیق داده شود. بدون آن چنین راه درستی پیشرفت حزب و نهضت دشوار است. عدم توجه به تغییرات موجب جدائی ما از واقعیت است و جدائی از واقعیت تحلیل ها و شعار های ما را زاده و بیروح و غیر مؤثر میسازد. جا دارد در باره نکاتی که در این مقاله بحجی مجمل ذکر شد. تحقیقات و بررسی های وسیع و حتی المقدور مبتنی بر آمار و فاکت انجام گیرد.

## رادیویک ایران

همه روزه در ساعات ۶ و ۸ بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۱۹ - ۲۵ - ۲۶ متر برنامه پخش میکند. شنیدن مرتب این رادیو وظیفه هر فرد حزبی و هر مهن پرست ایرانی است.

بی نهایت افزایش یافته است. روزنامه کیهان در شماره ۲۳ فروردین امسال خود نوشته است: «سال گذشته ۲۰۰ کیلو گرم هروئین و کوکائین در ایران سفید شده است، مبلغی را که برای خرید این زهر سفید پرداخت شده روزنامه کیهان بیش از ۲۶۰ میلیون تومان تخمین زده است. خطری که گسترش می یابد»

هروئین از سوقات های کشته رژیم کودتاست. چندی پیش روزنامه کیهان نوشت: «اولین بار روز دوم اسفند ماه ۱۳۳۲ یعنی فرست ۶ ماه پس از انجام کودتای خانانها ۲۸ مرداد این روزنامه خبر دستگیری مردی را که مشغول فروش گرد هروئین بود منتشر ساخت.»

سایر روزنامه ها نیز مخفی نمیکنند که استعمال گرد سفید هروئین پس از کودتای ۲۸ مرداد شیوع یافته است. در اردیبهشت ۱۳۴۲ بابشکار مجله روشنفکر در تهران کمیته ای برای مبارزه با هروئین تشکیل شد. در یکی از جلسات این کمیته آقای دکتر صاحب الزمینی اظهار داشت: «در حال حاضر در سراسر کشور عده زیادی معاد از سیسین ۱۲ الی ۷۰ ساله بشر میروند که متأسفانه امکانی برای معالجه و مداوا آنان نیست»

او افزود: «طبق آمارهای که در دست است در مقابل هر ۱۰۰ مرد ۱۰۴ زن در کشور معناد است. در تهران در مقابل هر ۱۰۰ مرد ۱۱۰ زن هروئینی وجود دارد. مجرمیت های جنسی زنان و مردان «بیخاری جوانان نداشتن تفریحات سالم، شرایط سیاسی و اجتماعی کشور و عدم احساس مسئولیت که خانواده و اجتماع در مقابل جوانان بخود گرفته آنها را بکام این زهر کشند»

متأسفانه در مقابل رقم وحشتناک معنادین امکانات موجود برای معالجه آنها بسیار ناچیز و مسخره است. در همین جلسه دکتر میرسیاسی در باره سود سرسام آوری که فروشندگان هروئین کسب میکنند گفت: «هر کیلو هروئین بقیمت ۵ هزار تومان تمام میشود در حالیکه بقیمت یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بفروش میرسد.»

اخیراً با بررسی شعبه ۴ مواد مخدره اعلام کرده است که «عده معنادین و سوداگران هروئین بخود بیسابقه ای افزایش یافته است. مأمورین دولت سال گذشته ۱۱۲ کیلو و ۸۰۰ گرم مواد مخدره سفید (هروئین) کوکائین و مرفین و ۱۳۳۴ کیلو گرم تریاک و شیره کشف کرده اند.»

سال گذشته در دادگستری نزدیک به ۸۰ هزار پرونده در این زمینه تشکیل شده است. وزیر دادگستری چندی پیش بمخبرین جرایم گفت: «وقتی بار بار عمل کرد مقامات تعقیب نسبت به جرائم مربوط به تخلف از قانون منع کشت خشخاش و منع استعمال مواد افیونی مراجعه کردم و آقا وحشت نمودم. پرونده هاییکه مورد خرید و فروش یا استعمال هروئین و مرفین در همین دادسرای تهران تشکیل شده»

فراوان همین زمینه بدر و دیوار شهر ها نوشته شد. در محاس مختلف جهان نیز انعکاس کودتای الجزیره متفاوت بود. در بعضی از کشور ها با خوشحالی تلقی شد، بعضی با احتیاط با آن روبرو شدند و گروهی به مخالفت برخاستند. حقیقت اینست که هنوز برای اظهار نظر قطعی در باره رژیم جدید الجزیره، ماهیت و سیاست داخلی و خارجی آن زود است. ولی این نکته قطعی است و آن اینکه این کودتا ضربه ای از راست به دولت بن بلا و بر سیاست داخلی و خارجی او بوده است و به همین دلیل این جریان نگرانی عمیقی در محافل مترقی و دموکراتیک جهان بوجود آورده است.

جبهه آزادی الجزیره (اف ال ان) که در جریان هفت سال و نیم مبارزه آزادیبخش ملی رهبری مبارزه را در دست داشت، انقلابی از نمایندگان طبقات و قشرهای مختلف جامعه الجزایر بود که علیرغم اختلاف عقاید سیاسی و اجتماعی خویش، از یک شعار واحد یعنی آزادی الجزیره از اسارت استعمال فرانسه و استقلال آن متحد شده بودند. در دوران نبرد مسلحانه این شعار حلقه واسطه و رابط میان تمام عوامل «جبهه آزادی ملی» بود و اختلافات سیاسی و اجتماعی همه در سایه این شعار قرار داشت. ولی از همان روز ها معلوم بود که بعد از پیروزی نبرد مسلحانه این وحدت متزلزل پایدار نخواهد ماند و شرکت کنندگان در جبهه آزادی ملی هر یک در جهت عقاید و منافع خویش بفعالیت خواهند پرداخت. از همان روزهای پایان نبرد این اختلافات که در کمون بود بروز کرد و نخست منجر به برکناری فرهنگت عباس رئیس دولت موقت الجزیره و سپس تصادم در دولت بن خده جانشین فرهنگت عباس میان بن بلا از یکسو و بسیلاری از رهبران دیگر جبهه

بقیه از صفحه ۱

بنحو وحشت آوری افزایش یافته است. بنا بر این ملاحظه میکنید که نسل جوان در برابر چه خطر بزرگی قرار گرفته است. روزنامه هاییکه نطق وزیر دادگستری را چاپ کردند، نوشتند: «آمار نشان میدهد که فقط در تهران نزدیک به ۱۵ هزار نفر معتاد به هروئین وجود دارد که اکثر آنها جوان هستند. در تهران روزانه نزدیک به ۸ کیلو گرم هروئین مصرف میشود که نسبت به سال ۱۳۴۲ دو برابر شده است و فروشندگان غالباً بطور آزاد متع خود را در مکان های مختلف به خریداران عرضه میدارند.»

هروئین چگونه وارد ایران میشود

قسمت اعظم هروئینی که وارد ایران میگردد از امریکاست باند های بین المللی معمولاً مواد اولیه این زهر سفید را از کشورهای آسیایی وارد امریکا مینمایند و در آنجا به هروئین «کوکائین» مرفین و غیره تبدیل مینمایند. در ایران نیز تاکنون چندین لابراتور مجهز که به ساختن هروئین مشغول بودند کشف شده است، پیش ازین نموده اند که بیست در صد هروئینی که در ایران مصرف میشود در خود ایران ساخته میشود. هروئین از بعد از جنگ جهانی دوم توسط باند های بین المللی در سراسر گیتی پخش شد و امروز سودآورترین تجارتی است که در دنیا معمول است.

هزاران نفر از دیپلمات های کشور های سرمایه داری باین شکل تنگین اشتغال دارند و شبکه مخوف آن بسیاری از پادشاهان، شیوخ و سران دولت های آسیایی و آفریقایی را در خود گرفته است. روزنامه نیویورک هارالد تریبون در یکی از شماره های اخیر خود نوشت: «سود سالیانه باند های بین المللی قاچاق مواد مخدره بیش از سودیست که کارتل های نفتی و سوداگران اسلحه بدست میآورند.»

اگر در نظر بگیریم که میلیون ها نفر در امریکا اروپای غربی و آسیا در دام (شیطان سفید) افتاده اند و هر روز مجبورند مبلغ قابل توجهی از درآمد روزانه خود را برای بدست آوردن آن مصرف نمایند آنوقت معلوم میشود سودیکه هر سال از این راه به دست میآید برای بین المللی وارد میگردد چه سود سرسام آوریست. در ایران اشکاراً اغراضی خاندان پهلوی باین تجارت تنگین اشتغال دارند. برای اولین بار در سال ۱۳۳۱ مأمورین گمرک در فرودگاه مهر آباد دوچمدان مملو از بسته های گرد هروئین را که متعلق به اشرف پهلوی بود توقیف کردند. هر چند خبر این واقعه در بعضی از روزنامه های آن زمان منتشر گردید ولی با

الجزیره بکجا میرود؟

حمایت از جنبشهای تجاری بخش ملی و مبارزه با امپریالیسم نیروی میکرد. در سیاست داخلی نیز هدف دولت بن بلا ساختمان یک جامعه سوسیالیستی در الجزیره بود و در همین راه قدمهای مؤثری نیز در راه ایجاد یک بخش دولتی صنایع، ایجاد هسته های کشاورزی کلکتیک و غیره برداشته است. اگر نیروهای مترقی جهان نیز از دولت بن بلا حمایت میکردند معلناً جنبه شخصی نداشت و علت آن همین سیاست مترقی داخلی و خارجی بن بلا بود.

آنگون «شورای انقلاب» و سرهنگ بومدین رئیس جدید دولت الجزیره اتهامات فراوان بر بن بلا وارد میکنند. آنها بن بلا را بایجاد «دیکتاتوری فردی» «تعبات پردازی های بیحاصل» «حیف و میل اموال دولتی» «تالیان آوردن مسلع تولید» «ایجاد هرج و مرج اقتصادی» و غیره متهم میکنند. آنها در همانحال از زبان سرگرد سلیمان سخنگوی «شورای انقلاب» میگویند که: «فعالیت شورای انقلاب طبق اصول برنامه تریبولی و منشور الجزیره که ساختمان جامعه سوسیالیستی را در الجزیره نصب العین قرار داده است انجام خواهد گرفت.»

در باره اتهامات وارد بر بن بلا و صحت و کذب آنها اظهار نظر مشکل است. بقرض صحت پاره ای از این اتهامات، مثلاً ایجاد حکومت فردی و معمول کردن اسلوهایی ضد دموکراتیک معلوم نیست که تا چه اندازه این عوامل در کودتای ۱۹ ژوئن مؤثر بوده اند. قرآنی دیگری وجود دارد که نشان میدهد موجدین کودتای ۱۹ ژوئن در باره بعضی از مسائل مهم سیاسی با بن بلا موافق نبوده اند.

که مستر بارش استاد دانشگاه ایتدیانرا در ستمبر ۱۹۶۲ اظهار داشت جلب نمانیم. وی میگوید: «تا سال ۱۹۵۳ هروئین بکلی در ایران ناشناخته بود... اما اکنون بیش از ۲۰ درصد از ایرانیانی که هنوز به سن ۳۰ سالگی نرسیده اند بعلی تریاک از هروئین که تأثیرش از انواع مواد مخدره شدید تر است استفاده میکنند و از این راه هر سال میلیونها دلار بجهت شاه سرازیر میشود. تجارت مواد مخدر خاندان سلطنتی ایران فقط منحصراً بحدود ایران نیست. چندی پیش شاهزاده اشرف خواهر شاه با چند چمدان پر از هروئین در یکی از کشورهای اروپایی دستگیر شده است... سازمان پلیسی جهانی و اداره گمرک بخوبی میدانند که ایران صادر کننده عمده مواد مخدره قاچاق از کشور ماست ولی چون شاه دوست ماست ما بخود اجازه حمله بوی را نمیدهیم...»

دبیر کل سازمان بین المللی مبارزه با مواد مخدره سپس در نامه خود میگوید: «بصرف ما درجه های افتخاری دانشگاه باید بکسانی اعطا کرد که بانسایت خدمت کرده باشند در حالیکه شاه ایران چیز اعطای برگ از راه بخش هروئین در میان مردم کشورش کار دیگری انجام نداده است.»

ما بنام سازمان خود، بنام هزاران نفر از اعضا و دوستانمان و بنام شیفتگان آزادی و برنام مردم به اعطای این درجه بشاه اعتراض میکنیم و بخاطر انسایت الغای فرمان دکترای افتخاری را بشاه ایران خواستاریم سازمان بین المللی مبارزه با مواد مخدره و. ف. ماهونی

در شماره ۱۲ آوریل ۱۹۶۵ مجله امریکایی نیشن نیز شرحی در باره فعالیت اشرف پهلوی و ارتباط او با باند های بین المللی قاچاق هروئین درج شده است. نیشن می نویسد: «روز ۱۷ نوامبر ۱۹۶۰ پلیس سویس اشرف خواهر شاه را با دو چمدان مملو از هروئین به بهای دو میلیون دلار توقیف کرد. در آن زمان اشرف مدتی در سویس تحت تعقیب بود تا بالاخره دستها بکار افتاد و شاه توانست خواهر خود را از محضه رها سازد.»

مبارزه کاذبی است

در یکی از شماره های اخیر روزنامه کیهان عکس بیژنی بنام ننه گلدمان بچشم میخورد. ننه گلدمان بدو سال حبس با اعمال شاقه محکوم شده است زیرا او سرایدار خانهای بوده که در آن ۲ کیلو گرم هروئین کشف شده است! هم اکنون هزاران نفر امثال ننه گلدمان در زندانهای ایران گرفتارند. در حالیکه قاچاقچیان عمده در بنه و الهه فساد و دزدان انقلاب بکار تنگین خود ادامه میدهند.

مجله خواندنیا در شماره ۵۹ امسال خود بنقل

بقیه در صفحه ۶

حوادث اخیر الجزیره نشان میدهد که ساختمان یک جامعه نوین در یک کشور آزاد شده از استعمار تا چه اندازه دشوار است و چه فراز و نشیب ها در پیش دارد. در اینگونه کشور ها انواع تضاد های طبقاتی اجتماعی و شخصی بهم گره میخورد و در عرصه فعالیت سیاسی، باشکال گوناگون منعکس میشود. استعمار نیز با تمام نیروهای آشکار و نهان خود در کمین و آماده است که از این تضاد ها بتوانج وسائل استفاده کند. وظیفه ای که بر این کشورها بر برابر توده های مردم قرار دارد بسیار سنگین و دشوار است. جهت گیری سیاسی گاهی بسیار دشوار است. عوامل گمراه کننده فراوانند. در اینجاست که وظیفه بزرگی بعهده احزاب کارگری این کشور ها که پیشاهنگ آگاه نهضت اند محول میشود. آنها هستند که باید از میان کلاف سر درگم حوادث، گره اصلی تصادم را پیدا کنند و در هر مرحله راه درست را نشان دهند. مردم ایران که در تمام طول نبرد مسلحانه از مبارزه قهرمانانه مردم الجزیره دفاع کرده اند ازجوانان اخیر الجزیره بسیار نگرانند. بسیاری از وعده های حکومت جدید الجزیره امید بخش است ولی بوعده های نمیتوان دل خوش کرد. باید در انتظار تکامل حوادث بود. مردم ایران از «مجموع قلب خواهان پیروزی و کما یبانی مردم الجزیره اند و امید دارند که مردم الجزیره علیرغم بفرنجی حوادث راه خود را بایجاد یک جامعه سعادتمند سوسیالیستی پیدا کنند.»

در آخر

دربار پهلوی عامل عمده بخش هروئین در ایران

از روزنامه بورس نوشت: از تیرماه سال ۱۳۳۴ که قانون منع کشت خشخاش با اجرا گذاشته شد دادگستری بتدریج بهم رکز رسیدگی به پرونده تریاکبها و انبوهی آنها تبدیل گردیده است. رسیدگی باین پرونده ها قسمت اعظم وقت داندسراها و دادگاههای عالی جنائی را در سراسر کشور اشغال کرده است.

دولت از یکطرف بأمورین کشف مواد قاچاق مقادیر نسبتاً زیبایی حق الکشف میدهد و از سوی دیگر تریاکبهای مکشوفه که بداره نظارت بر مواد مخدره تحویل میگردد معلوم نیست بکجا می رود. در اردیبهشت سال ۱۳۴۱ ناگهان فاش شد که صدها تن تریاک که از قاچاقچیان بدست آمده و تحویل اداره مبارزه با مواد مخدره گردیده از طرف متصدیان این سازمان دوباره تحویل بازار سیاه شده است. روزنامه ها در ان موقع نوشتند که «متصدیان مبارزه با مواد مخدره بجای تریاکبهای موجود در انبار قره قورت گذاشته اند، از همان وقت معلوم بود که چند کارمند جزء بمبهای این کار را نکرده اند و (کسان دیگری) بانها کمک نموده اند. در تیرماه اول دیماه ۱۳۴۲ وقتیکه کلیه متهمین (جز یک نفر که بدوماه حبس و پرداخت ۶۰۰ تومان غرامت محکوم شد) تبرئه گردیدند روشن شد آن کسان دیگر در واقع وجود داشته اند و همکاران خود را نیز در حقیقت ملذت آنها نگذاشته اند.

کلیه اقداماتی که رژیم شاه پیرامون مبارزه با مواد مخدره انجام میدهد سطحی و عوامفریبانه است. از بعد از کودتای ۲۸ مرداد کمتر نخست وزیر است که خود را قهرمان مبارزه با مواد مخدره نخواند باشد و برای معاندین بیچاره اشک تمساح نریخته باشد. و کلاهی مجلس شاه نیز هر چند یکبار بیاد جوانان می افتد و از اینکه قاچاقچیان بیرحم زندگی آنها را تباہ ساخته اند تأسف میخورند. برای مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدره دولت حتی قوانین غلط و شدادی نیز وضع نموده است. در زمان ریاست وزرائی علم قانونی از مجلس گذشت که برای سازندگان و وارد کنندگان هروئین و مرفین مجازات اعلام در نظر گرفته است. این قانون به دادگاهها اجازه میدهد که در این مورد بدون رعایت مواد ۴۴ و ۴۵ قانون مجازات عمومی تعیین کیفر نمایند. ولی وقتی هر روز چندانهای لاابک و مهر شده هروئین بنام دربار وارد ایران میشود و کمک خود مأمورین دولت سیل تریاک از ترکیه و افغانستان بداخل کشور سرازیر است از این قوانین چه ساخته است؟ اقدامات دولت تاکنون از حدود دستگیری گروهی مصرف کننده بی پناه و فروشنده خرده باوسوس مجازات آنها تجاوز نکرده است. بیجهت نیست کسانی مانند هرابندا که میخواهند خود را بی خبر از همه چیز نشان دهند اعتراف میکنند که «مصرف هروئین در ایران روز بروز زیادت می شود و اقدامات دولتها در زمینه مبارزه با مواد مخدره تاکنون نتیجه مطلوب ببار نیاورده است».

برای نجات نسل جوان باید اقدام کرد

هدف دربار پهلوی از بخش وسیع گرد هروئین در ایران سود سزاش و نیز تخدیر نسل جوانست. نفع رژیم در اینست که جوانان هر چه بیشتر علیل و بی اراده و ناتوان و از صحنه مبارزات سیاسی و اجتماعی دور باشند. گرد هلاکت بار هروئین باین هدف رژیم کمک میکند. بر اثر استعمال این گرد تاکنون دهها هزار نفر از هستی ساقط شده اند. هزاران نفر مرده اند و صدها هزار نفر هم اکنون در چنگال بیرحم آن اسیرند. گرد هروئین بمدارس، دانشگاه، ادارات، کارخانه ها و حتی روستا های دور دست کشور راه یافته است. نیم میلیون انسان مبتلا و مصرف سالیانه بیش از ۱۰ تن هروئین در ایران ما را از خطر موحشی که نسل جوان را تهدید میکند آگاه میسازد. علیه این خطر باید مبارزه جدی برخاست. نسل جوان ایران را باید از دام پهلوی که دربار پهلوی در راه آن گسترده است نجات داد. فرزندان

درباره سندیکاهای کارگری

امتناع از ثبت سندیکا هائیکه بدون شرکت عوامل دولت تشکیل میگردد بدیند تازہ نیست. سالیان دراز نیست که وزارت کار برای جلوگیری از رشد سندیکا های واقعی کارگری باین حیلہ متوسل میشود. و چون سندیکای به ثبت نرسیده عملاً نمیتواند از حقوق خویش در دفاع از منافع کارگران استفاده کند و از این کار متنوع میگردد لذا از فعالیت باز میماند.

وزارت کار موظف است بمحض اعلام موجودیت سندیکائی که ارائه اسنادنامه تنها شرط ثبت وجود است، بدون تشریفات آنرا برهمنیت بشناسد. ولی وزارت کار در این مورد هم قوانین موجود را زیر پا میگذارد و بدین طریق عملاً حق تشکیل سندیکا های آزاد را از کارگران سلب مینماید. لذا فقط سندیکا هائی که توسط وزارت کار و خدمات اجتماعی و سازمان امنیت سرهم بندی میشوند رسمیت دارند. این نکته را هم باید متذکر شد که در برخی موارد وزارت کار حتی از تشکیل سندیکا های دولتی نیز ابا میوزد. کما اینکه تاکنون نه تنها کارگران نفت در ایساجان اجازه تشکیل سندیکا داده نشده بلکه از تشکیل سندیکای دولتی در این منطقه نیز خود داری گردیده است.

کارگران و کار در سندیکا های دولتی

آزادی سندیکائی مانند سایر آزادیهای دموکراتیک در کشور ما وجود ندارد. تشکیل سندیکاهای کارگری هم مانند تشکیل احزاب منحصرأ در اختیار رژیم کودتا است. ولی مهم اینست که خواست کارگران برای ایجاد سندیکای واقعی آنچنان نیرومند است که طبقه حاکمه هم نمیتواند آنرا نادیده گیرد. باید در نظر داشت که هر سندیکائی بوسیله هر کسی که تشکیل شده باشد همینقدر که تعداد قابل ملاحظه ای از کارگران در آن متشکل شده باشند میتواند بصورت حربه مبارزه کارگران درآید و دیر یا زود به سندیکای واقعی و مدافع حقوق کارگران بدل شود. سران رژیم هم بر این نکته واقفند و بهمین دلیل از پیدایش و تضح سندیکاهای بویژه در صنایعی که کارگزارانش دارای سنت مبارزه هستند جلوگیری میکنند.

در چنین شرایطی وظیفه کارگران فعال و آگاه این نیست که بعتناوی مختلف از سندیکا کناره گیری کنند، بلکه باید با فعالیت خویشان در سندیکا بتدریج آنرا بمرکز واقعی احقاق حق مبدل سازند. اکنون باید دید آیا میتوان خواستهای کارگران را از طریق سندیکا های دولتی که اداره شان بدست عمال وزارت کار و احیاناً سازمان امنیت سپرده شده است منعکس ساخت؟ و آیا میتوان در چارچوب سندیکا های دولتی موجود بمبارزه اعتصابی دست زد؟

برای روشن شدن موضوع نمونه های چند ذکر میکنیم. در شهریور ماه سال ۱۳۴۱ کفرانس کار یکفصلی تهران تشکیل گردید. در این کفرانس علیرغم آنکه اکثر شرکت کنندگان عمال وزارت کار بودند کارگران توانستند تقاضای خواستهای خود را در قطعنامه بکنجانند. اهم این خواستها عبارت بود از:

- ۱ - جلوگیری از اخراج کارگران
- ۲ - شمول قانون کار بکارگران کشاورزی
- ۳ - تجدید نظر در حداقل دستمزدها
- ۴ - شمول ماده ۲۳ قانون کار بکارگران

- ۵ - رعایت حفاظت فنی در کارگاه
  - ۶ - تاسیس کلاسهای حرفه ای در کارخانجات
- سال گذشته کارگران در جلسه شورای همکاری سندیکا های کارگری و نمایندگان ۵۱ کارگاه استان تهران با استفاده از مراسم برگزاری جشن اول ماه مه خواستهای خود را بشرح زیر مطرح و تصویب کرده و از مقامات مسئول انجام آنرا خواستار شدند:
- ۱ - اجرای کامل قوانین کار و بیمه های اجتماعی در تمام واحدهای کارگری اعم از صنعتی و صنفی بطور تساوی
  - ۲ - اصلاح ورقه تقاضای قوانین فوق بنفع طبقه کارگر با نظر سندیکاهای
  - ۳ - با توجه بقانون اصلاحات ارضی که نتیجه

اجرای کامل آن بوجود آمدن واحد بزرگی از کارگران کشاورزی بوده و خواهد بود لغو فوری ماده ۸ قانون کار و شمول مقررات قانون مذکور در باره کارگران کشاورزی

- ۴ - جلوگیری جدی از اخراج های فوری و دستجمعی و تدوین آئین نامه خاص جهت تأمین این هدف
- ۵ - تعیین فوری حد اقل دستمزد بر اساس شاخص هزینه زندگی
- ۶ - شناختن حق اعتصاب که آخرین سلاح طبقه کارگر است جهت کارگران ایران
- ۷ - الغای سریع بیمه تدریجی و شمول مقررات بیمه کامل برای عموم کارگران ایران
- ۸ - لغو تبصره ۲ ماده ۶ قانون کار که ناظر به تضييع حقوق قسمت عمده کارگران است
- ۹ - تقویت و حمایت صنایع داخلی از راه کنترل صحیح دولتی
- ۱۰ - جلوگیری از ورود اجناس خارجی که مشابه آن در ایران و بدست توانائی کارگران ایرانی تولید میگردد با کنترل قیمت تمام شده و عرضه آن بازار
- ۱۱ - حمایت و تقویت سندیکاهای کارگری از راه ارجاع حل اختلافات کارگران و کارفرمایان بخود سندیکاهای
- ۱۲ - تأمین مسکن و بیمه بینکاری جهت کارگران ایران
- ۱۳ - تجدیدنظر در مالیاتهای غیرمستقیم و برقراری مالیات تصاعدی به درآمد های مستقیم

مقایسه خواستهای مندرجه در این سندیه با مطالبات طوره در قطعنامه شش ماده ای کفرانس کار تهران منعقد در سال و نیم پیش نه تنها نشان دهنده درک عمیق معضلات از جانب کارگران و رشد آگاهی سیاسی آنان است بلکه در عین حال مبین این نکته نیز هست که در نتیجه تشکیل جتی در سندیکا های دولتی میتوان خواستهای منطقی کارگران را متحدأ ارائه داد و زحمتکشان را در راه مبارزه برای اجرای آن متشکل ساخت. بدون تردید در شرایط فعلی ترورو و اختناق در کشور اعضای شورای همکاری سندیکاهای کارگری و نمایندگان ۵۱ کارگاه استان تهران نمیتوانستند خارج از چهارچوب فعالیت سندیکاهای دولتی، روز اول ماه مه گرد هم آیند و نه قادر بصدر چنین بیانیه ای که شامل بخشی از خواستهای کلیه کارگران کشور است، میشدند.

اعتصاب ۷ آذر سال ۱۳۴۳ تا کسی را نات تهران نمونه دیرریست در تأیید این نظر. اعتصاب ۱۶ هزار نفر از تا کسی رانان تهران ضربه شدیدی بود بر رژیم شاه که تقاب عوامفریبی برچهره خود افکنده است. برخوردی که رژیم کودتا با اعتصاب تا کسی رانان کرد بار دیگر ماهیت ضد کارگری او را برملا ساخت. دولت وظیفه ضد کارگری اعتصاب شکنی و هده گرفت و وساطت تقابله ارتش و سایر سازمان های دولتی را بجای تا کسی های اعتصابی بکارگمارد. سران سندیکاهای دولتی نقش دلالی دولت را بعهده گرفتند. ولی باوجود اینها اعتصاب سه روز با وحدت قابل تصنیی ادامه داشت و بالاخره نیز دولت و کار فرمایان مجبور شدند روزانه ده تومان از نرخ اجاره بنفع تا کسی رانان بکاهند. درست است که اعتصاب تا کسی رانان در نتیجه دخالت دولت نتوانست با پیروزی کامل روبرو گردد ولی تجربه ای که از این اعتصاب بزرگ بدست آمد پس ارزنده است.

اعتصاب تا کسی رانان نشان داد که زحمتکشان میتوانند از سندیکاهای دولتی بنفع تأمین برخی از حقوق خود استفاده نمایند. طبیعی است که اگر تا کسی رانان در سندیکای دولتی متشکل نمیشدند بدشواری میتوانستند خواستهای خود را باهم در میان گذارند، موافقت ۱۶ هزار نفر را جلب نموده و متوسل بحربه اعتصاب گردند. عین این استدلال در باره اعتصاب خرداد ماه ۱۳۴۳ کارگران کارخانه صنایع پشم اصفهان هم صادق است. کارگران این کارخانه بعنت عدم آزادی تشکیل سندیکای دولتی گرد هم آمده و بیمان دست جمعی با دارفرما متعقد ساخته اند. طبق این پیمان کارفرما متعهد گردیده که ۲۰ درصد از سود کارخانه را بکارگران بپردازد. ولی پس از اقتضای مدت معهود مسئولین کارخانه از اجرای تعهد خودداری ورزیدند. بقیه در صفحه ۷

متوسط شروع کرد و بعد بصنایع سنگین رسید. در اینکه ایجاد صنایع سنگین بسرمايه گذاري هنگفت و کار شناسان ورزیده‌های احتیاج دارد تردیدی نیست. ولی از این مقدمه درست نتیجه‌گیری نفلظ نباید کرد. بلکه باید نخست متفقد شد که ایجاد صنایع سنگین برای رشد سریع اقتصاد کشور ما، برای تأمین استقلال سیاسی و اجتماعی مردم اهمیت حیاتی دارد. و تمام نیروی خود را برای استفاده حداکثر از منابع داخلی و خارجی متمرکز کرد. در مورد تهیه سرمايه باید به سه نکته اساسی توجه داشت:

(۱) وقتی گفته میشود که ایران باید صنعتی گردد و برای اینکار قبلاً از هر چیز باید صنایع کليبی خود را بوجود آورد مقصود این نیست که ایران باید ناهای صنعتی شود. صحیح تر برسر اینست که باید صنعتی شدن را هدف قرارداد برای اینکار برنامه داشت و تمام نیروها و امکانات را در این جهت متمرکز کرد. صنعتی شدن هم مانند هر چیز دیگری البته وقت میخواهد. ولی فقط با رعایت نکات فوق میتوان مطمئن بود که ملامت پس از سی سال ایران صنعتی شده است. در حالیکه راهی که رژیم کنونی میزود موجب روزگرفتن شدن از هدف، طولانی‌تر شدن و مشکل‌تر شدن کار میگردد.

(۲) از تمام امکانات و منابع داخلی برای تراکم سرمايه باید حداکثر استفاده بعمل آید. اگر اصلاح ارضی دموکراتیک بعمل آید و تمام مواضع که بر سر راه تکامل نیروهای مولده قرار دارد برایشه کن گردد، مدت ایران بجای اینکه توسط امپریالیستها غارت شود در اختیار ملت ایران قرار گیرد. بازرگانی خارجی ایران معتدل گردد. از منارح نظامی کليته شود. هزینه‌های زائد دولتی از بین برود. بحرف و میلها و ذریعهای رایج در دستگاه دولتی ایران خانمه داده شود. پول هنگفتی در اختیار دولت برای سرمايه گذاریهای عظیم متمرکز خواهد شد. حتی در شرایط کنونی هم اگر درآمد نفت بامورد تولیدی اختصاص داده شود و اقدامات جلیبی در زمینه صرفه‌جویی اقتصادی در تمام شئون بعمل آید میتوان سرمايه عظیمی را در اختیار داشت. نفع طبقاتی سود شخصی ویی لایقیتی موجب نابسامانی کنونی شده است. و این نتیجه را نمیتوان بهانه و دلیل برای جلوگیری از ایجاد صنایع سنگین قرار داد.

(۳) پس از استفاده کامل از منابع داخلی اگر باز هم کمبودی در مورد سرمايه گذاری موجود بود آن وقت میتوان با توجه به هدف و با در نظر گرفتن اینکه دریافت کمک از خارج مستلزم هیچگونه قید و شرط سیاسی و اقتصادی نباشد برای جلب سرمايه از خارج اقدام کرد.

عین همین نکات را باید در مورد کارگری در نظر داشت. بیان معنی که ما اکنون تعداد نسبتاً قابل توجهی کار شناس داریم، میتوانیم طی یک برنامه ده بیست ساله کمبود خود را به میزان زیادی جبران کنیم. تازمانی هم که دچار کمبود هستیم از کارشناسان خارجی استفاده کنیم بشرط اینکه این کارشناسان واقعا کار شناس باشند نه وسیله اعمال نفوذ کشورهای خارجی.

این نکته را هم باید گفت که محافل حاکمه ایران در داشتن نظریه فوق بهیچوجه متبکر نیستند. آنها در واقع نظریه امپریالیستها را تبلیغ میکنند که گویا کشور های کم رشد باید همواره راهی را طی کنند که کشور های سرمايه داری غرب طی کرده‌اند. برای امپریالیستها البته کاملاً بصرقه است که کشور های مانند ایران صنعتی شدن خود را با ایجاد صنایع سبک و متوسط شروع کنند. چون در این صورت هم بازار این کشورها برای آنها محفوظ خواهد ماند و هم وابستگی آنها ادامه خواهد یافت.

محافل حاکمه ایران بیش از چهل سال است مردم را با «مطالعه» برای احداث کارخانه ذوب آهن سرگرم کرده‌اند. ولی عرصه بر آنها روز بروز تنگتر میشود. از یکطرف مردم این سیاست ضد ملی را محکوم کرده‌اند و مبارزه خود را برای تحقق امری که به استقلال سیاسی و اقتصادی ایران بستگی دارد شدت میدهند. از طرف دیگر نمونه سایر کشورها که خیلی دیرتر باین فکر افتادند ولی اکنون سالها در این زمینه از ما جلو فرزند در برابر مردم است. و بالاخره آمادگی کشور های سوسیالیستی برای کمک جدی و بی شائبه در مقایسه با سیاست مفرضانه و

بقیه از صفحه ۱

نخستین کارخانه ذوب آهن ایران با کمک اتحاد شوروی ساخته میشود

است وابستگی ایران را تشدید میکند. ما میگوئیم بازرگانی خارجی ایران تعادل ندارد. و این عدم تعادل از یکطرف موجب تقلیل صادرات ایران و در نتیجه لغطمه زدن به کشاورزی و صنعت ضعیف کشور است و از طرف دیگر ارز ذقیقیمی را که از درآمد نفت و قرضه کم‌رشدن خارجی بدست میآید، در ازاء کالا های بنجلی که از کشور های امپریالیستی وارد میشود برنانه میدهند. ما هرگز نگفته‌ایم که با ساختن کارخانه با بهره برداری از منابع نفت و بنا استقرار روابط بازرگانی با هر کشوری مخالفیم. تنها شرط این است که اینکارها واقعا انجام گیرد و مصالح عالییه سیاسی و اقتصادی، استقلال سیاسی و اقتصادی ایران در نظر گرفته شود و به بهبود زندگی مردم کمک کند. ما حتی شرط نیکنداشته‌ایم که اینکارها از جانب چه کشور خارجی و چه حکومت داخلی انجام گیرد آنچه که مورد انتقاد است اعتراض است نفس عمل نیست شرایط و منجری آنست. در اینجا است که بدرستی گفته میشود که امپریالیستها و حکومتهای دست نشانه آنها از قبیل حکومت شاه بنابهلیت طبقاتی خود نه میخواهند و نه میتوانند طریق مصالح توده های مردم عمل کنند. و باز هم در اینجا است که بدرستی نتیجه گرفته میشود که باید با مبارزه تسلط آنها بر انداخت و تا زمانیکه تسلط کامل آنها از بین نرفته با مبارزه آنها را وارد عقب نشینی و دادن امتیاز کرد.

آیا پیشنهاد های اتحاد شوروی در زمینه اقتصادی با شرایطی که گفتیم وفق میدهد؟ این نکته را از زبان وابستگان رژیم کنونی ایران بشنویم. از آنچه که شاه، هویدا و روزنامه های دولتی ایران گفته و نوشته‌اند بزمیاید که: اتحاد شوروی حاضر است کار نفت ایران را بمقداری که سالانه در حدود ۹۰ میلیون دلار متعصب ایران میکند بخرد. در مقابل اتحاد شوروی حاضر است کارخانه ذوب آهن بقرضت شصت هزار تن در ایران بسازد. و همچنین کالاهای کشاورزی و صنعتی ایران را بخرد. اتحاد شوروی حاضر است بازرگانی خود را با ایران بر اساس پایبندی که همیشه وجود داشته توسعه دهد.

ایران این پیشنهادها بدینمعنی است که:

- (۱) اولین کارخانه ذوب آهن ایران بشکل واقعی خود و با استفاده از منابع داخلی بوجود آید.
- (۲) نفت ایران ببارز دیگرتی غیر از بازاری که تحت تسلط امپریالیستها پیدا کند.
- (۳) صادرات ایران افزایش یابد یعنی کار تولید کنندگان داخلی رونق گیرد.
- (۴) کالاهای ضروری مصرفی و وسائل تولید وارد ایران شود.

گذشته از این و شاید در اساس خود مهمتر

در باره سندیکا های کارگری

بازدم خرداد ماه کارگران کارخانه صنایع بشم اصفهان بعنوان اعتراض نسبت بعدم پرداخت ۱۰ در صد سود کارگران متحدا دست از کار کشیدند و در نتیجه کارفرما را مجبور بقبض نشینی ساختند.

اهمیت موضوع در اینجا است که جمعی سران سندیکاها از جانب وزارت کار و خدمات اجتماعی تعیین میگرددند و آموزش سازمان امنیت در دستکهای آزاری سندیکاها راه میباید و وجود اینگونه افراد هم در جلسه شورای همکاری سندیکاها کارگری و نمایندگان ۵۱ کارگاه استان تهران و هم در سندیکاهای تاکسی رانان و کارگران کارخانه صنایع بشم اصفهان و کارکنینهای آنان نتوانست مانع صدور بیانیه ۱۳ ماده ای و آغاز و ادامه نسبتاً موقیبت آمیز اعتصاب کارگران گردد. و این امر حاکمیت که در صورت تشکل کارگران و مبارزه مهربخش کارگران فعال و آگاه در عین سندیکاها وجود عوامل احزاب دولتی و وزارت کار و غیره نمیتواند تأثیر چندانی در سیر مبارزه داشته باشد. پرواضح است که هر کارگر آگاهی با اینگونه افراد و نحوه کار آنها مخالف است و بحق آنانرا دشمن خود و همه کارگران میدانند ولی این بدان معنا نیست که کارگران پیشرو باید از سندیکائی که عدهای کارگر در آن گرد آمده‌اند دوری جویند. چنین عملی یعنی خالی گذاردن میدان جهت عوامفریبی عوامل مصری. وظیفه کارگران فعال و آگاه عبارت از وسوخ در داخل سندیکا های دولتی برای روشن کردن

از همه اینکه جلوی آن سیاست امپریالیستی که میکوشد بر نفت ما، بر صنعت ما، بر بازرگانی ما و در یک کلمه بر تمام شئون اقتصادی ما تسلط کامل و بلا معارض داشته باشد گرفته میشود. مگر ما میخواهیم که از وابستگی یکجانبه بازار جهان سرمايه داری رهائی بیابیم، جاو بیسط نفوذ سرمايه مالی را بگیریم، بازرگانی خود را متعادل کنیم، صنایع سنگین بوجود آوریم و ارز خود را بمصافق تولیدی برسانیم؟ و مگر پیشنهاد های اتحاد شوروی همه در این جهت نیست؟ پس چگونه میثوران این پیشنهاد ها را قبول نکرد؟ آنرا مورد انتقاد قرار داد و حتی محکوم کرد. فقط باین بهانه که گویا موجب تحکیم رژیم میشود. اگر محافل حاکمه ایران چنین روشی داشته باشند تعجب ندارد. ولی چنین روشی از جانب محافل که خود را «ملی» مینامند شگفت آور نیست؟ اگر در سیر این تفکر و ارزیابی کنونی باشیم آیا باین نتیجه نمیرسیم که برای اینکه رژیم کنونی ذقیقت، نشود باید اصولاً با ساختن کارخانه با تعادل بازرگانی با اصلاح ارض مخالفت کرد؟ آیا باین نتیجه نمیرسیم که هرچه اقتصاد کشور ورشکسته تر و وضع مردم بدتر باشد بهتر است؟ آیا باین نتیجه شگفت انگیز نمیرسیم که باید کالاهای کم‌کم کرد تا وضع اقتصادی خرابتر و مردم فقیر تر شوند؟ روشن است که هیچ انسانی با عقل سالم و با نیت پاک هیچ انقلابی مبارزی که صادقانه در راه آزادی و استقلال مینهن خود و بهبود زندگی هموطنان خود ایستادگی کند نمیتواند چنین روشی را در پیش گیرد. مبارزان واقعی بیانتظار و روز معرود به نفع نشینند. آنها در هر لحظه و در تمام زمینه ها برای عظیم گذاشتن سیاست ضد ملی رژیم، برای دفاع از حقوق مردم و برای از پیش بردن خواسته های خود مبارزه میکنند. آنها مبارزه در راه خواسته های روز مره و هدفهای تاکتیکی را با مطالبات اساسی مردم و هدفهای استراتژیک پیوند میدهند. فقط در چنین صورتی است که میتوان رژیم را با هم بقبض نشینی و دادن امتیاز مجبور کرد و هم بیسط یک نظام ضد ملی و ضد دموکراتیک را در زمین بر چید.

کسانی هم هستند که کارهایی از آن قبیل را فقط «عوام فریبی» و «مانور» میدانند. بنظر آنها غیر ممکن است که رژیم شاه گمراهی در این زمینه هابردارد. نخست باید گفت که در اینجا بهیچوجه نمیتوان بر سر «حسن نیت» شاه و سایر زمامداران رژیم نیست. صحبت بر سر اجبار است. و این اجبار واقعی است. فشار داخلی و تناسب نیرو ها در صحنه جهانی عقب نشینی اجباری رژیم را از افکار باوقیبت تبدیل کرده است. کسانی که هر کسوت مبارزه بر ضد امپریالیسم و رژیم شاه ایران واقیبت را نمی بینند عزیزم میل خود از یکطرف امپریالیسم و رژیم شاه را قدا، قنات و شکست نابذیر میدانند و از طرف دیگر به نیروی مردم و امکان پیروزی آنها اعتقاد ندارند.

وظیفه چیست؟

پیشنهاد های اتحاد شوروی در باره بسط روابط اقتصادی و بازرگانی و فرهنگی با ایران دو حقیقت را بار دیگر بظهور رساند: نخست آنکه اتحاد شوروی بنا بر ماهیت سوسیالیستی خود دوست واقعی خلق ماست و همیشه آماده اینچنان کمکهایی است که بهبود زندگی مردم و پیشرفت اقتصادی کشور را در بر دارد. و موجب تضعیف پاییکهای امپریالیسم در ایران است. دوم آنکه محافل حاکمه ایران بنا بر ماهیت خود و برترییت از اربابان امپریالیست خود سالهاست این پیشنهاد ها را ندیده گرفته اند. در توسعه روابط اقتصادی و بازرگانی اخلال کرده اند و در عملی کردن آن کندی بفرج داده اند. هم اکنون هم در برابر پیشنهاد های فوق العاده مفید اتحاد شوروی محافل حاکمه ایران هنوز عکس العمل لازم و متناسب را نشان ندادند. متعنا نباید بفروش کرد. - چنانکه تجربه نشان میدهد - هر وقت بهبود مناسب ایران و شوروی وارد مراحل جدی میشود مرتجع ترین محافل امپریالیستی و داخلی با تمام قوا باخلال میزدانند. بنا بر این وظیفه همه مین برستان ایرانی است که از یکطرف با توسطه و اخلال و ناپیکیزی محافل حاکمه ایران مبارزه کنند و از طرف دیگر برای بسط هرچه بیشتر روابط بین ایران و اتحاد شوروی و عملی ساختن پیشنهاد های اتحاد شوروی بکوشند. تردیدی نباید داشت که موقیبت در بسط همه جانبه مناسبات ایران و شوروی پیروزی مردم ایران و اردوگاه سوسیالیسم است. - انوشه -

بقیه از صفحه ۶

بازدم خرداد ماه کارگران کارخانه صنایع بشم اصفهان بعنوان اعتراض نسبت بعدم پرداخت ۱۰ در صد سود کارگران متحدا دست از کار کشیدند و در نتیجه کارفرما را مجبور بقبض نشینی ساختند.

اهمیت موضوع در اینجا است که جمعی سران سندیکاها از جانب وزارت کار و خدمات اجتماعی تعیین میگرددند و آموزش سازمان امنیت در دستکهای آزاری سندیکاها راه میباید و وجود اینگونه افراد هم در جلسه شورای همکاری سندیکاها کارگری و نمایندگان ۵۱ کارگاه استان تهران و هم در سندیکاهای تاکسی رانان و کارگران کارخانه صنایع بشم اصفهان و کارکنینهای آنان نتوانست مانع صدور بیانیه ۱۳ ماده ای و آغاز و ادامه نسبتاً موقیبت آمیز اعتصاب کارگران گردد. و این امر حاکمیت که در صورت تشکل کارگران و مبارزه مهربخش کارگران فعال و آگاه در عین سندیکاها وجود عوامل احزاب دولتی و وزارت کار و غیره نمیتواند تأثیر چندانی در سیر مبارزه داشته باشد. پرواضح است که هر کارگر آگاهی با اینگونه افراد و نحوه کار آنها مخالف است و بحق آنانرا دشمن خود و همه کارگران میدانند ولی این بدان معنا نیست که کارگران پیشرو باید از سندیکائی که عدهای کارگر در آن گرد آمده‌اند دوری جویند. چنین عملی یعنی خالی گذاردن میدان جهت عوامفریبی عوامل مصری. وظیفه کارگران فعال و آگاه عبارت از وسوخ در داخل سندیکا های دولتی برای روشن کردن

قوای مسلح حکومت احسان اله خان بدون تهیه مقدمات لازم بسوی تهران حرکت کرد و شکست خورد، رشت از طرف قوای مرکز (فراقها) اشغال گردید.

۵ مرداد ۱۳۲۸

قرارداد الحاقی نفت از طرف مجلس رد شد. بموجب این قرارداد که در نتیجه مذاکرات طولانی بین دولت ساعد و انگلیسها تهیه شده بود مواد اساسی امتیاز شرکت نفت حفظ میشد، امپریالیسم انگلیس بعارضت ثروت نفت ایران کماکان ادامه میداد و حق الامتیاز دولت ایران اندکی افزایش میافت.

۹ مرداد ۱۲۹۹

(کمیته ملی آزادی ایران) با شرکت جناح «چی» حزب کمونیست ایران و بریاست احسان اله در گیلان تشکیل شد.

حکومت احسان اله خان اعلامیه ای مبنی بر آزادی توده ها، صادره و تقسیم کلیه اراضی مالکین بین دهقانان، الغای مالیاتهای جنسی و غیره منتشر کرد، معذالک مجموعه اقدامات حکومت بسود دهقانان تمام نشد و موجب عدم رضایت دهقانان و خرده بورژوازی شهری گردید.

۱۰ مرداد ۱۳۲۲

افتتاح نخستین کنگره حزب توده ایران. نخستین کنگره حزب توده ایران برنامه و اساسنامه حزب را تصویب نمود و کمیته مرکزی و کمیسیون تقشش مرکزی را انتخاب کرد. کنگره بسط نفوذ و تشکل حزب و نقش برجسته آنرا در حوادث ایران نشان داد.

نامه اعتراض فدراسیون جهانی

سندیکاها به نخست وزیر ایران

در نامه ای که لوئی پاولیا بضمیمه متن اعتراضیه خطاب به نخست وزیر ایران برای رفیق روستا دبیر شورای متحده مرکزی ایران ارسال داشته گفته شده است که ارسال نامه ضمیمه برای فدراسیون جهانی سندیکاها فرصتی است برای آنکه همبستگی خود را نسبت به مردم کارگران ایران در نبرد عادلانه ای که بدون خستگی در شرایطی نویژه دشوار ادامه میدهند نشان دهد متن اعتراضیه بقرار زیرین است:

نخست وزیر - تهران - ایران - فدراسیون جهانی سندیکاها بنام ۱۲۰ میلیون انشاء خود از توفیق دهها نفر میهن پرست ایرانی که برخی از آنها باتکاه ادعایات بی اساس شکنجه شده اند برآشفته است و علیه این اقدامات قضیاتی و نقض آزادیها بستنی اعتراض میکنند. فدراسیون سندیکائی جهانی با تأکید و اصرار تمام میطلبد، بنام اصول منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر بازداشت شدگان آزادگردند و موازین دموکراتیک مراعات شود.

دبیر فدراسیون جهانی سندیکاها، لوئی پاولیا،

بقیه از صفحه ۲

یادی از قیام مرداد ۱۳۲۴ افسران خراسان و تهران

کنندگان پیوستند و باتفاق آنان بسوی گنبد قابوس روان شدند. بنگانه راهی که آنها را بمواضع پیش بینی شده در داخل دشت میرساند ناگزیر از شهر کوچک گنبد قابوس میگذشت. واحد ژاندارم و پلیس شهر که شب قبل از تهران دستور قتل عام افسران قیام، کنندگان را

تقویم مردم

مرداد ماه

۱۰ مرداد ۱۳۲۵

شرکت وزراء حزب توده ایران در کابینه قوام. در شرایط اوج نهضت قوام مجبور شد سه وزارتخانه فرهنگ، پیشه و هنر، بهداری را در اختیار وزراء توده ای بگذارد. این وزراء در دوران سه ماهه وزارت خود کوشیدند تا دستگاههای وزارتی را از عناصر زائد و فاسد تصفیه کنند و آنها را بدسته گاههای فعال و ثمربخش بدل سازند. وزراء توده ای با اعتراض یکسلسله اقدامات ضد دمکراتیک قوام ومشی نادرستی که در کابینه وی در پیش گرفته شده بود معرضاً استعفا دادند و از کابینه خارج شدند.

۱۲ مرداد ۱۳۳۲

روز ۱۲ مرداد سال ۱۳۳۲ رفراندوم دولت دکتر مصدق بمنظور انحلال مجلسی که نمایندگان مرتجع و طرفدار امپریالیسم در آن کمین کرده بودند در تهران انجام شد. روز ۱۹ مرداد همانسال رفراندوم در شهرستانها بعمل آمد. میلیونها نفر از مردم سراسر کشور با شور و شغف فراوان بانحلال مجلس رأی دادند. این رفراندوم از متهورانه ترین اقدامات دکتر مصدق علیه اختیارات نامحدود شاه و ضربه بزرگی بر قدرت وی بود که انحلال مجلس را حق خود میدانست.

۱۴ مرداد ۱۲۸۵

صدور فرمان مظفرالدین شاه در باره قانون اساسی - جشن مشروطیت.

۱۸ مرداد ۱۲۹۸

انعقاد قرارداد وثوق الدوله و انگلستان. بموجب این قرار داد کلیه رشته های

گوشه ای از تاریخ

از قصیده ای که استاد ادیب الممالک فراهانی در وصف محمد علی شاه قاجار سروده است:

ای شه به زمینت زند این نوسن دولت کامروز به زیر توروان گشته ورام است این طبل زدن زیر گلیمت نکند سود چون طشت تو بشکسته و افتاده زبام است جائی که نماد اثر از داد میندار برمایه بیداد و ستم هیچ دوام است آن باده که در جام کسان ریختی ای شاه سابقیت بر افشاند سرانجام بیجام است. روز عقلا از ستم و جور تو تار است صبح سعدا از طمع و حرص تو شام است از مال فقیرانت در گنج زروسیم وز خون شهیدانت در جام مدام است دشتی که بهر دستی از آن خون سیاوش آمیخته با مغز جگر گوشه سام است

گردید این بود که آنها روحیه عالی انقلابی خود را تا لحظه آخر نگهداشته و در حالیکه با سرود دسته جمعی حزبی مترنم بوده اند بسوی چوبه های اعدام رفته اند.

۲۷ مرداد ۱۳۲۴

قیام افسران خراسان و تهران

۲۸ مرداد ۱۳۳۲

در این تاریخ مرتجعترین محافل حا که ایران بسر کردگی شاه با پشتیبانی امپریالیسم امریکا و انگلیس علیه نهضت ملی ایران دست به توطئه زدند. کودتا تحت نظر آلن دالس رئیس سازمان جاسوسی امریکا و مداخله ژنرال شوارتسکف امریکائی انجام شد. نقش اساسی را در این توطئه هندیترسن سفیر امریکا برعهده داشت و شاه و زاهدی عوامل پست اجرای آن بودند. این کودتا نتیجه بندو بست قبلی شرکتیهای نفتی امریکا و انگلیس بود. متأسفانه بعلت پراکنده گی نیروهای ملی کودتاچیان توفیق یافتند، حکومت قانونی آقای دکتر مصدق که مورد پشتیبانی مردم بود سقوط نمود و نهضت ملی ایران سرکوب شد.

مرداد ۱۲۹۷

قراردادی بین میرزا کوچک خان و قوای انگلیس منعقد شد. بموجب این قرارداد میرزا کوچک خان از مقاومت در مقابل قوای انگلیس دست برداشت، با آنها راه داد تا به سوی باکو حرکت کنند، تأمین خوار بار آنها را بعهده گرفت، انگلیسها متعهد شدند حکومت کوچک خان را برسمت بشناسند ولی تعهد آنها مانوری برای درهم شکستن مقاومت جنگلیها بود.

سرباز شهید شدند. یکی از این شهیدان سرگرد اسکندانی سازمان دهنده قیام خراسان بود. اسکندانی یکی از دانشمند ترین و شجاعترین افسران ارتش ایران بود. او پس از پایان دانشکده افسری معلومات نظامی خود را در دانشگاههای نظامی فرانسه تکمیل کرد و در بازگشت بایران در رسته توپخانه دانشکده افسری بتدریس پرداخت همزمان با تدریس یکسلسله کتب در رسته مثنوی توپخانه تألیف کرد. با شهادت اسکندانی نیروهای ترفیخواه ارتش و بطور کلی جنبش آزادیبخش ایران یکی از رشید ترین و جانباختن مبارزان خود را از دست داد. نام شهداء حادثه گنبد قابوس چنین است:

- ۱ - سرگرد اسکندانی
۲ - ستوان یکم شهبازی
۳ - ستوان یکم نجدی
۴ - ستوان یکم مینائی
۵ - ستوان دوم نجفی
۶ - سرجوخه بهلول
۷ - سرباز قره وشلی

نام این شهیدان راه آزادی ایران برای همیشه در تاریخ جنبش آزادیبخش ملی مردم ما ثبت خواهد شد. قهرمانی و فداکاری پیدریغ این رادمردان مایه الهام اخلاف مبارز آنان در ارتش ایران است و کلیه مبارزان راه ترقی و تعالی ایران خاطره تابناک این مبارزان شریف و دلیر را بزرگ مینارند. پ. بیکار

امور دولتی تحت نظارت مستشاران انگلیسی قرار میگرفت. انگلیس بایران اسلحه میداد تا ارتش تازه ای تحت نظر مستشاران انگلیسی و بخاطر حفظ منافع انگلستان در ایران بوجود آید، برای پرداخت بهای تسلیحات و حقوق مستشاران قرضه جدیدی بمایه ضعیف کشور ما تجمل میشد، با انگلستان اختیار ساختن راه آهن و سایر وسایل ارتباط داده میشد.

این قرارداد با مخالفت شدید مردم در سراسر کشور مواجه شد. قیام خیابانی در تبریز و قیام گنشل محمد تقی خان پسیان در خراسان نمونه های درخشان مخالفت مردم با این قرار داد خائنه بود. جنبش مخالفت با قرارداد چنان اوج گرفت که مانع از اجرای آن گردید.

۲۵ مرداد ۱۳۳۲

کودتای ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی دکتر مصدق باشکست روبرو شد. نماینده شاه (سرهنگ نصیری) که مأمور ابلاغ عزل نخست وزیر قانونی بود توقف گردید. شاه که توطئه خائنه اش افشا شده بود از بیم مردم سراسیمه از کشور گریخت.

۲۶ مرداد ۱۳۳۴

در این روز ۶ نفر از افسران عضو حزب توده ایران، وقهرمانان فداکار سرگرد هوایی رحیم بهزاد، سرگرد هوایی ارستو سروشیان، سروان هوایی اسمعیل محقق زاده، ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری، ستوان یکم هوایی حسین مرزوان، ستوان ۳ هوایی اسداله نصیری فرمان شاه جنایتکار تیرباران شدند. تنها خبری که ضمن خبر اعدام از چگونگی امر منتشر

اکنون همه ماوای سباعست و وحوشست اینک همه بنگاه هوام است و سوام است باغ ارم آرامگه دیو و شیاطین فردوس چراگاه گروهی دودوام است

تخواهی و وامی که زیگانه ستانی تخخواه نه جانکاه بود، وام نه دام است در گردن شیرین وام است چو زنجیر و نذر دهن مارسه وام لگام است دیگ طمع و حرصت از این آتش بیداد پخته نشود هیچ که سودای توخام است نه عهد تو عهد و نه زمین تو زمین است نه قول تو قول و نه کلام تو کلام است اطوار تو آثار جنون است و سفاک است افکار تو بنهار صداع است و زکام است بگذار سنان را که دم تیغ تو کند است بسپار عنان را که سمنند تو جمام است ای دزد از این خانه بدر شو که خداوند بیدار و نگهبان سرا، بر سر بام است

گرفته بود - مخفیانه در کمین کاروان نشست و همینکه افسران بمقابل کمنه گاه رسیدند باران گلوله را بر سر آنان ریخت. قیام افسران خراسان و تهران از آنجا که بر طبق شرایط ضروری انجام نگرفت و در اثر برخی اشتباهات که شرح آنها در این